

جامعه و خانواده

مسئله رابطه فرد انقلابی با جامعه و خانواده، يك مسئله بسيار پيچيده و متضاد است. در اين باره، در گذشته، در نامه «مردم» مقالاتي چاپ شده است، از جمله «شيوه زندگي يك انقلابي چگونه است؟» (شماره ۴۶) و «مادران، پدران و فرزندان در رژيم شاه چنين انقلابي» (شماره ۲۸۱). «خانواده انقلابي» (شماره ۲۷۷) (شماره ۲۷۷) مسأله اينكه خوانندگان مجدداً مقالات فوق را به علاقمندان توصيه ميكنيم. از نظر اهميت مسئله، توجه خوانندگان گرامي را به مقاله زيرين نيز جلب ميكنيم.

مسئله رابطه يك فرد انقلابي، اعم از زن يا مرد، جوان يا پير، به جامعه و خانواده، يك مسئله بسيار پيچيده و متضاد است. در جامعه ايران، در محيط تربيت سنتي، معمولاً مسئله خانواده مطرح بود و بهترين دختر يا پسر، آنهاي بودند كه خواه قبل از ازدواج و خواه پس از زناشوي، چيزي غير از: خانواده كوچك (پدر، مادر، شوهر، زن، فرزندان، برادران و خواهران) يا خانواده بزرگ (كل خويشان سببي و نسبي) را بر سر سرسختي، خود را وقف آنها ميكردند، از آنها - اگر چه خطاكار هم باشند - دفاع ميكردند. بنظر آنها، بهترين خانواده، خانواده آنها بود، و نزديك ترين افراد جامعه به او، افراد خانواده او بودند. اما يك خانواده باز هم بزرگتر و وجود داشت و دارد، بنام «جامعه»، كه در تربيت سنتي ما ياد نمي‌داند كه اهميت آن از خانواده كوچك و بزرگ، اكثراً بيشتر نباشد، كمتر نيست. زيرا اگر اين خانواده بزرگتر، خانواده ايراني ما، كار نكند و از كار خودش بيا بهره ندهد، غذا، تحصيل، معالجه، استراحت، مسافرت و... در يك كلمه، زندگي خود ما و اعضا خانواده كوچك و بزرگ ما محال ميشود. يا به عبارت ديگر، در کنار مادر گرامي ما، كه با فداكاريهاي خود، ما را به مرصه آورده، در کنار پدر عزيزمان، كه براي رشد و تحصيل ما از هيچ تلاشي تن زده است، مادر وطن و سرزمين پدري وجود

دارد كه فداكاري و تلاش دائمي و غير محسوس او، هستي ما را، از كهوازه تا كور، تحت تاثير نيرومند خود دارد.

بقول شاعر معاصر ادیب پیشاوری:
ز سيمد فزون كارگر بايدی
كه تا خواجه را نان بدست آیدي

در تربيت سنتي ما، اين خانواده بزرگ، كه «جامعه» يا «مردم» نام دارند، نه فقط فراموش ميشدند، بلكه بعنوان «شير» و «شيرييه» و «ديگران»، كه مانند دشمن در برابر ما ايستاده اند و بايد كوشيد تا كلاه خود را از دست آنها حفظ كرد، قرار دارند. عشق به جامعه، فداكاري در راه مردم؟! بحق حرفهاي نشنيده! ايشان در راه مادر وطن، جانبازي در راه سرزمين پدري؟! عجب حرفهايي كه فقط بپردازد تبليغات دولتي مي‌خورد!

در ميان افراد جامعه و مردم، همه يكسان نيستند. در جامعه بخش مفيد وجود دارد، كه با كار خود، ارزشها و كالاها و نعمات مادي و معنوي بوجود مي‌آورد. در جامعه بخش طفيلي وجود دارد، كه آن ارزشها و كالاها و نعمات مادي و معنوي را با زور يا با حيله غصب مي‌كند و خودش زندگي خوش و انگل‌واري را ميگذراند و زحمتكشان يدي و فكري را دچار فقر و محروميت ميسازد.

در تربيت سنتي ما اين مطلب كه ما بايد بخاطر عشقي كه به وطن و مردم داريم، در راه نجات زحمتكشان جامعه از دست طفيليها و انگلها مبارزه كنيم، اصلاً مطرح نيست: بمن چه، بتوجه، هر كس بايد در فكر خودش و زن و بچه اش و پدر و مادرش باشد، به او چه رسيده كه در اين مسائل دخالت كند! در قديم به چنين كساني مي‌گفتند كه مخبط و ديوانه اند و سرشان به تشنان سنگيني مي‌كند!

پس از پيروزي انقلاب، گروه عظيمي از جوانان ما، دختر و پسر، بحق وارد مبارزه

اجتماعي شده اند، يعني بشكر مادر و پدري افتاده اند، كه او را رها کرده بودند.

در اينجا نزاعی مابين «خانواده» (بمعناي خانواده كوچك و بزرگ) و «جامعه» (بمعناي خانواده بزرگتر) درمي‌گيرد. اين مطلب رانمي-توان ساده كرد. مبارزه در راه نجات جامعه از اسارت و ظلم و فقر و جهل كار خطرناكي است. پدر و مادر، بخاطر فرزندان خود كه در اين مبارزه خطرناك شركت مي‌كنند، بحق نگران ميشوند. آنها بجاي آنكه مطلب را خودشان بدرستي حل كنند، گاه نامه‌هايي به ما مي‌نويسند و گله مي‌كنند كه حزب باعث شده است، پسرشان يا دخترشان، در يك مبارزه دشوار و خطرناكي شركت كند.

حزب ابتدا به اعضا و هواداران خود نمي-گويد كه شما نسبت به نگرانيهائي كه پدرها و

مادرهاي شما دارند، بسي اعتنا بمانيد. ابتدا! حزب بخوبي احساسات بحق و بجا و طبيعي پدران و مادران (بويژه مادران) را در حق فرزندان نشان درك مي‌كند. بپرجهت بخش بزرگي از اعضا و هواداران حزب، خود پدران و مادران هستند و در احساس و عاطفه همه مادران و پدران شريكند. لذا حزب از همه فرزندان مبارز انتظار دارد كه نسبت به عواطف مادران و پدران عزيز و محترم خود نهايت توجه را مبذول دارند و از حرركات غير عاطفي، كه شايسته يك مبارز توده‌اي نيست، به فرستگ بگريزند. بايد مادران و پدران را مورد ژرف ترين احترامات و محبت‌ها قرار داد. بايد به آنها و ديگر نزديكان دلسوز و دليند، درباره وظايف اجتماعي و حزبي بحد اكثر ممكن توضيح داد و آنها را روشن ساخت. بايد به آنها فهماند كه وطن، مردم و جنبش نيز در خانه و خانواده آنها حقي دارد. بايد به آنها فهماند كه نمي‌توان فقط در خود خزيد و بنكر خود بود. بايد نمونه ايشان و فداكاري ديگران را، از رهبران ديني و سياسي گرفته، تا افراد

ساده در و همسايه، به آنها نشان داد. بايد خود آنها را به تفكر اجتماعي و، اگر ممكن باشد، به فعاليت اجتماعي جلب كرد. در عين حال بايد به آنها، با صميميت تمام، نشان داد كه شما فرزندان دلسوز و مهربان هستيد و آنها را از جان و دل دوست داريد و نسبت به آنها قدرشناسيد.

در مواردی كه تضاد پيدا ميشود، گاه فرزندان مبارز مقصرتند: سرسري و بي ملاحظه رفتار مي‌كنند. بيهوده موجب دغدغه و نگراني مادران و پدران ميشوند. و گاه مادران و پدران مقصرتند: نمي‌خواهند به طرز اجتماعي بيانديشند. فقط بدنياي عاطفه شخص خود ميروند. نمي‌خواهند ضرورت و وظايف وطني و مردمی را درك كنند. زياد در امور فرزندان خود مداخله مي‌كنند. افق محدود دارند.

اگر فرزندان با ملاحظه، مؤدب، دلسوز، مهربان و مواظب باشند و اگر مادران و پدران به ناگزيري مبارزات و نبردها و ايشاره‌هاي اجتماعي پي ببرند و خود بياري فرزندان خود بشتابند، تضادي نيست.

گاه شما به مادران و پدران كارگر و روستائي و روشنفكر سالخورده‌اي برخورد مي‌كنيد كه با غرور از شهادت فرزندان عزيز خود سخن مي‌گويند، و مي‌گويند كه خود نيز حاضرند در اين عرصه گام گذارند، ولي ما در شهرها خانواده‌هاي بظاهر «تمدني» هم داريم، كه عجيب خودخواهانه مي‌انديشند و شمار آنها خودمحوري و نفي هرگونه فداكاري است. بقول معروف: «مرگ خوب است، ولي براي همسايه!»

لذا اين مطلب بفرنج رابطه بين خانواده و جامعه را تنها بشكل مشخص و باظرافت و با در نظر گرفتن شرايط ميتوان حل كرد. نسخه كلي ويژه‌اي وجود ندارد. نسخه كلي اينست كه: فرزندان هم نسبت به خانواده و هم نسبت به جامعه، وظايف معيني دارند و بايد بتوانند آنها را با هم تركيب كنند و از تضاد اين دو مبداء بهره‌بردارند. مادران و پدران هم داراي همين وظيفه‌اند.

اميد است سخن ما با اين مسئله دشواركني كند.

با حزب کمونیست فرانسه، تاکتیک و افق مبارزه‌ان آشنا شویم

چپ "ائتلاف سياسي بود، كه، فزون بر "حزب كمونيست فرانسه"، "حزب سوسياليست" و "جنبش راديكال‌هاي چپ" را در برمي‌گرفت و در درجه نخست، بر اثر چرخش "حزب سوسياليست" به راست و عقب نشيني از "برنامه دولت مشترك" از هم پاشيد.

چنان‌كه چندی پيش خبر داديم، "حزب كمونيست فرانسه" در تاريخ هشتم دي ماه امسال شصتمين سالگرد پايدگاري خويش را بزرگداشت. تاسيس "حزب كمونيست فرانسه" در شش دهه پيش، نتيجه منطقي، تكامل جنبش كارگري فرانسه و تاثير ايلهام بخش انقلاب كبير سوسياليستي اكتوبر بود. در هشت دي ماه ۱۲۹۹، اكثريت مطلق نمايندگان كنگره حزب سوسياليست فرانسه كه در شهر "تور" گردآمده بودند تصميم گرفتند به "انترناسيونال كمونيستي" به پيووندند. اين تصميم تاريخي "كنگره تور" هم چنين عزم كمونيست‌هاي فرانسه را براي دفاع از انقلاب اكتوبر و مقابله سرسختانه با خيانت رهبران "انترناسيونال دوم" به منافع صلح و انقلاب بيان مي‌داشت.

جانبازي حزب كمونيست فرانسه در پيكار عليه فاشيسم

"حزب كمونيست فرانسه"، پس از "كنگره تور"، درستيزه‌هاي حاد طبقاتي به تحكيم صفوف خود در پيكار با انحرافات اپورتونيستي و سكتاريستي مبادرت ورزيد. كمونيست‌هاي فرانسه به رهبري مبارزان نامداري چون مارسل كاشن، پيرسمار و موريس تورز، همواره در صفوف مقدم مبارزه مي‌رزميدند. در اين گستره، كافي است، كه از پيكار عليه اشغال "رور" در سال ۱۳۰۲، عليه جنگ‌هاي استعماري در مراکش و سوريه و خطر فزاينده فاشيسم در فرانسه ياد شود.

در اين دوران "حزب كمونيست فرانسه" بپيگرانه در راه اتحاد عملي طبقه كارگر و عليه فاشيسم رزميد و كوشيد تا همه نيروهاي دمكراتيكي، و ضد فاشيست را دريك جبهه خلق و زير شعار "نان، صلح و آزادي" متحد سازد. اين ابتكار حزب كمونيست بعدها اهميتي بين - المللي پيدا كرد و در خود فرانسه نيز در جريان جنگ دوم جهاني در

مبارزه در راه صلح

"حزب كمونيست فرانسه" از آغاز تاسيس خود پيكار در راه بيشترت اجتماعي را با مبارزه براي خلع سلاح و صلح تلقبي بخشيده است. از آنجا كه محافل تجاوزكار كشورهاي امپرياليستي اينك، بيش از پيش به تشرافاتي و تسريع مسابقه طبقاتي دست يازيده اند، كمونيست‌هاي فرانسه نيز "بيش از همه وقت پيكار در راه صلح و خلع سلاح را به عنوان محور همه فعاليت‌هاي خود" تلقی می‌کنند.

حزب كمونيست فرانسه "معتقد است كه علت تهاجم بي سابقه امپرياليسم را در اين واقعيّت بايد جست، كه امپرياليسم بر اثر دگرگوني كيفي توازن قوا به سود نيروهاي انقلابي و دمكراتيكي در سراسر جهان، در واقع به واكنشي تدافعي مجبور شده است. اتحاد شوروي و ديگر كشورهاي سوسياليستي در اين تغيير كيفي نقشي بس پراهميت به عهده داشته‌اند. "حزب كمونيست فرانسه" تضعيف مواضع امپرياليستي در ويتنام، انگولا، موزامبيك، افغانستان و ايران را به منزله شرايطي بنيادي براي پيروزي مبارزات خويش در فرانسه، در راه تغييرات اجتماعي، ريشه‌اي به شمارمي‌آورد.

"حزب كمونيست فرانسه"، با توجه به مسؤليت فزاينده طبقه كارگر و پيش - آهنگ انقلابي آن در راه تضمين صلح مبكر كارزارهاي گسترده‌اي براي افضاي سرشت واقعي تنش آفرينان و جنگ افروزان بوده است. هدف از اين كارزارها آنست كه با خطرات ناشي از مداخلات و در راه جنگ‌هاي امپرياليستي مقابله و در راه خلع سلاح مبارزه شود. "حزب كمونيست بقيه در صفحه ۶

رهبری پیگیر مبارزات زحمتکشان فرانسه

گذشته، از جانب حزب برنامه‌اي به نام "برنامه پيكار با بحران و در راه دگرگوني را به مردم فرانسه ارائه داشت. به گفته ژورناليست، اين برنامه "مبارزه در راه هدف‌هايي را پيش بيني مي‌كند، كه بپيشر آن‌ها كشور ما را از بحران كنوني رهايي خواهد بخشيد، خواست‌ها و انتظارات كارگران و خانواده‌هاي آن‌ها را برآورده خواهد ساخت و سخن کوتاه به دگرگون سازي (جامعه) فرانسه خواهد انجاميد."

دگرگونی های اجتماعی بنیادی به شمار می‌آورد.

به عقیده "حزب كمونيست فرانسه" تنها با چنين دگرگوني‌هايي مي‌توان بر نظام بحران زده سرمايه‌داري در فرانسه چيره شد. كمونيست‌هاي فرانسه همواره به بررسي دقيق تحولات نظام سرمايه‌داري انحصاري دولتي در فرانسه پرداخته‌اند. "حزب كمونيست فرانسه" بيش از ۱۲ سال پيش، بحران كنوني جامعه فرانسه را پيش بيني كرد و برگزيد. اين استراتژي و تاكتيك، در اسناد حزبي مهمي، چون "منشور شامپيني" و "برنامه دولت مشترك"، و اسناد كنگره‌هاي اخير حزب انعكاس يافته است.

برنامه دمكراتيكي حزب كمونيست فرانسه براي برون رفت از بحران

"حزب كمونيست فرانسه" در سال‌هاي گذشته برنامه دمكراتيكي براي برون رفت از بحراني تدوين کرده، كه رفته رفته همه گستره‌هاي جامعه فرانسه را در بر گرفته است. برپايه آريزايي كنگره بيست و سوم "حزب"، كه سال، پيش برگزار شد، سوسياليسم "تنهارا برون رفت فرانسه از بحران كنوني جامعه است." اين كنگره خاطر نشان ساخت كه هر دستاورد امروز گامي است به پيش در راه رهايي كشور از بحران و تا مين حواست‌هاي زحمتكشان. "ژورناليست"، كه به عنوان نامزد رياست جمهوري حزب براي انتخابات بهار سال آينده تعيين شده است، در پاييز

دگرگونی های اجتماعی بنیادی به شمار می‌آورد.

"ريستانس" (جنبش مقاومت عليه اشغالگران فاشيست)، كه كمونيست‌ها رهبري آن را در صحنه مستقيم نبرده عهده داشتند، ادامه يافت. بيش از ۵ هزار كمونيست فرانسه در پيكار با فاشيسم و در راه استقلال فرانسه جان باختند. حتي در دوران جنگ سرد و در شرايط بس دشوار مبارزه طبقاتي، "حزب كمونيست فرانسه" به طور عمده توان و وجهه خود را حفظ و ثابت كرد كه پيگرانه در راه منافع ملي و بين المللي طبقه كارگري رزميد. در اين زمينه، بايد بويژه مبارزه "حزب" را با جنگ‌هاي استعماري در شبه جزيره هندوچين و در الجزاير و همبستگي كمونيست‌هاي فرانسه را با نيروهاي انقلابي - دمكراتيكي اين كشورها يادآور شد.

تحكيم صفوف حزب، شرط اساسي پيشبرد تغييرات بنيادي است

امروزه "حزب كمونيست فرانسه" ۷۵۰ هزار عضو دارد، كه در ۲۸ هزار حوزه متشكل هستند. تنها در كارخانه‌ها ۱۰ هزار حوزه حزبي وجود دارد. در فرانسه ۱۵۵۹ شهردار عضو "حزب كمونيست فرانسه" هستند. اين حزب در پارلمان فرانسه ۸۶ نماينده دارد. بدينسان، "حزب كمونيست فرانسه" نيروي سياسي است، كه به هيچ روي نمي‌توان آن را نادیده گرفت. چنان‌كه ژورناليست، در كتاب كل "حزب كمونيست فرانسه"، در كتاب اخير خود، اميد دوران كنوني "يادآور شد، "حزب" تحكيم صفوف خود را بمتايه وظيفه‌اي كليدي براي پيشبرد

مصادر شرکت راه سازی «راسا» گامی است در راه انقلاب



اگر حقوق ما تامین شود، با دلگرمی بیشتری کار خواهیم کرد

شرکت راسا یکی از بزرگترین شرکت های راه سازی در استان کرمان است، که در منطقه "بلیبویه" مشغول حفرتونل هستند. این تونل حدود ۲۴۵۰ متر طول دارد و از این نظر بزرگترین تونل ایران محسوب می شود.

شرکت راسا تا قبل از انقلاب متعلق به شخصی به نام یمین بود، که اکنون فراری است. در آمریکا به سر می برد. پس از پیروزی انقلاب، یکی از نزدیکان او با زرنگی شرکت را به نام خود ثبت کرد و از مصادره آن جلوگیری به عمل آورد. او به شدت کارگران را استثمار می کند.

در این شرکت حدود شصت نفر کارگر کار می کنند، که تعداد ۴۳ نفر آن ها در قسمت غربی، و بقیه در قسمت شرقی تونل، سرگرم کارند.

کارگران شرکت راسا در دوران انقلاب به همراه سایر زحمتکشان ایران، مبارزه می کردند، حنان کددرهمان زمان به مدت سه ماه اعتصاب کردند و سپس به دنبال فرمان امام خمینی کار را دو باره از سر گرفتند.

برای آگاهی بیشتر از وضع شرکت، با چند تن از کارگران به گفتگو نشستیم. یکی از کارگران گفت: "اهل خلخال هستیم. دارای هفت فرزند هستیم و حدود ده سال است که در این شرکت کار می کنیم. کارگرانی که در تونل کار می کنند، روزی هزار تومان نا هزار و هفتصد ریال مزد می گیرند. البته حقوق ما هر چهار ماه یکبار، آن هم نه به طور کامل، پرداخت می شود. بیمه هستیم، اما اگر کارگری مرخص شود، اجباراً باید به شهر کرمان برود. مسئولین شرکت، برخلاف قانون، زمان رفت و برگشت کارگر بیمار را غیبت محسوب می دارند و از حقوق او کسر می کنند.

او در ادامه سخنانش گفت: "اما چاره چیست؟ کشور در حال جنگ است و ما باید این وضع را تحمل کنیم، تا با کار بیشتر بتوانیم در امر

بهبود و پیشرفت وضع کشور و ضربه زدن به دشمنان انقلاب، به فعالیت خود شدت بخشیم."

کارگر دیگری اظهار داشت:

"مسئول تعمیر ماشین های شرکت و روزی هفتصد ریال مزد می گیرم. این شرکت به وضع کارگران رسیدگی چندانی نمی کند. جا و مکانی برای سکونت نداریم و مجبوریم در روستاهای اطراف زندگی کنیم. نه حق مسکن می گیریم و نه حق اولاد. هر کس به این وضع اعتراض کند، او را به عنوان ضد انقلاب اخراج می کنند. همین جندی پیش یکی از کارگران را، که حقوقش را از شرکت طلب کرده بود، گرفتند و به جرم ضد انقلاب چند روز زندانی کردند، و سپس از کار اخراجش کردند."

وی افزود:

"قبل از انقلاب، اگر ماشینی خراب می شد، لوازم یدکی آن را از خارج وارد می کردند. ولی حالا در صورت وقوع چنین اشکالی، خودمان آن را می سازیم. کما این که شاسی کمپرسی را، که در آن زمان حدود دویست و سی هزار ریال ارزش داشت، هم اکنون، با وجود نبودن وسایل کافی، خود ما در این جا می سازیم. کاش طوری می شد که به وضع ما کارگران رسیدگی بیشتری می کردند

تا در این مکان دور از آب و آبدادی، دلگرمی بیشتری داشتیم."

کارگر دیگری گفت:

"شغل من نگهداری است و اهل روستاهای اطراف هستیم. شب ها هوای اینجا خیلی سرد است، و من باید از شب تا صبح در یک چادر بارهنگی بمانم. تاکنون چندبار تقاضای حاد کرده ام، اما تا به حال در اختیارم قرار ندادند. شب ها تا صبح از شدت سرما می لرزم و اگر مریض هم بشوم، مجبورم بمانم، چون اگر برای معالجه به شهر بروم، از حقوقم کسری کنند."

دولت انقلاب باید هر چه زودتر به وضع کارگران این شرکت رسیدگی کند و آن ها را از امکانات رفاهی بهره مند سازد.

در این شرایط که ما در حال نبرد با امپریالیسم آمریکا هستیم، دولت باید با مصادره ایس شرکت های نظیر، هم در جهت رفاه حال کارگران و هم در جهت مصالح کشور و جلوگیری از غارت سروت کشور به دست سرمایه داران فراری، اقدامات حدی به عمل آورد. با اتخاذ این تدابیر است که می توان کارگران، این نیروی عظیم پشتیبان انقلاب را، نسبت به آینده امیدوارتر ساخت.

عشار بر کارگران، دشمنی با انقلاب است.

اداره معدن گچ سمنان را به سازمان صنایع ملی واگذار کنید!

"کارفرما، ما را بدبخت کرده است. سنگ های این کارخانه را من کشیده ام، ولی در عوض، بدبختی و فلاکت نصیب من شده. کارفرما روز بروز جاقتر شده است."

اقدام اصولی ستاد مرکزی معادن سمنان، خواست برحق زحمتکشان است. کوخنیستان بحق انتظار دارند، که انقلاب خواست های آنها را برآورده سازد. آنها سالیان سال زیر سلطه سرمایه داران زالوصفت و طاغوتی دست و پایی زده اند و نیروی کار خود را به رایگان در اختیار آنها می گذاشته اند. بالاخره خشم توفنده توده های میلیونی زنجیرهارا باره کرده است. طاعت زده شد انسان زحمتکش برده ان طاغوت زده شد و بساط ۳۰۰۰ ساله سلطنت از این مرز و بوم، برچیده شد.

انقلاب باید خواست تمام زحمتکشان را برآورده سازد. تنها با اقدامات انقلابی به نفع زحمتکشان است که انقلاب، محکم، استوار و قاطع پیش می رود. و تمام سدها را از حلسوی خود بر می دارد.

از مسئولین ستاد مرکزی معادن سمنان انتظار داریم که هر چه زودتر به وضع کارخانه گچ سمنان و دیگر کارخانه ها رسیدگی کنند.

ستاد مرکزی معادن سمنان، مرکب از استاندار، رئیس صنایع و معادن، دادستان، رئیس شورای شهرستان و نماینده ارگان جهاد سازندگی، با اقدامات اصولی و انقلابی، در جهت واگذاری معادن خصوصی به سازمان صنایع ملی، با قاطعیت به پیش می رود. این ستاد، علیرغم مشکلاتی که در سر راه خود داشته، تاکنون توانسته است، معادن گچ و شیشه مهدی شهر، و معدن نمک گرمسار را به سازمان صنایع ملی واگذار کند.

سپس ستاد تصمیم گرفت که معدن کارخانه گچ سمنان را، که متعلق به صاحب کارخانه گچ تبریز و مسهد است، به سازمان صنایع ملی واگذار کند، ولی با کارشناسی هایی از طرف عناصر لیبرال روبرو شد و تاکنون این معدن، به سازمان صنایع ملی واگذار نشده است.

از سوی دیگر، در کارخانه گچ سمنان هنوز تبعیض و کارشناسی وجود دارد. کارگران از این وضع ناراحت هستند. مسئله بهداشت در محیط کارخانه اصلاً رعایت نمی شود.

یکی از کارگران می گفت: "پس از اینکه ما با خبرنگار نامه "مردم" مصاحبه کردیم و مشکلاتمان را گفتیم، فشارها بیشتر شد. یکی از زراننده های معدن می گفت:

کارگران کارخانه «خانه سازی» کرمانشاه مدافعین انقلابند

هنوز مدت ها پس از آن نخلان شورا، هیچ سندیدکا و شورایی ایجاد نشده است. سخن دستمزد کارگران و کارمندان روزانه بین ۹۰ تا ۱۲۰ تومان است.

اخیراً ۸۰ نفر از کارگران شرکت نوید، که در شرکت خانه سازی مشغول بودند، پس از آمدن رئیس جدید از تهران، اخراج شده اند. این کارگران سابقه کاری بین ۱ ماه تا ۷ سال داشته اند، جنگ با عث رکود کارهای داخلی برای استقرار کامل کارخانه گشته است. هم اکنون جز ۲، ۴ واحد ساختمانی در داخل کارخانه، چیزی از آن بهره برداری نشده است. از طرف دیگر، از وسایل و امکاناتی که در انبار کارخانه تاکنون مانده است، استفاده نمی شود.

کارگران اخراجی فوق به این سیستم خراج در این موعده سال معترضند. با بهره رجه زودتروسا بیل و امکانات کافی در اختیار کارخانه قرار گیرد، تا هم بتوان برای برنامهم عمران و خانه سازی برای مردم از شرکت استفاده کرد و هم نیروی تخم کارگران بیکار را در خدمت به رفاه مردم و بمنظور رفع بیکاری آنها بکار گرفت.

کارخانه خانه سازی کرمانشاه برای تولید خانه های پیش ساخته، با کمک فنی اتحاد شوروی دایر شده است.

فرضیت این کارخانه، از نظر جذب نیروی کار، بیش از ۳۰۰ تن است، اما امروز کارگران آن و کارمندان و مهندسیین شاغل در آن، نزدیک به ۵۰۰ نفر می شوند.

این کارخانه نیز یکی از موسساتی بود که مورد حملات هوایی جت های تهاجمی کارگران صدامی قرار گرفت. از جمله در حمله ای که اوایل مهرماه به آن صورت گرفت، بیش از نیمی از تولیدیبتون آن، که ۵۰٪ بتون مورد نیاز کارخانه را تولید می کرد، از کار افتاد.

کارگران و کارکنان این کارخانه بمنظور کسب آموزش های نظری در گروه های ۲۲ نفری به بسیج مستضعفین رفته اند. تاکنون چندین گروه دوره آموزش نظری را طی کرده اند. حدود ۸۰ تن از کارگران و کارمندان این کارخانه در درجه متقانیان خدمت ۶۶ به جبهه های جنگ اعزام گشته اند. زحمتکشان این واحد نیز برای ایجاد کارهای ساختمانی و تاسیساتی و آموزشی بسیج تلاش بسیار کرده اند. در کارخانه

کارگران می جنگند! کارگران شرکت «آلوم پارس» آماده نبرد با امپریالیسم آمریکا هستند.

در حال حاضر تعداد تجهیزات جنگی به سی و پنج نفر از کارگران (حدود پانصد تن) منقضی خدمت سال ۵۶ کارگران شرکت آلوم این شرکت در حال نبرد علیه تجاوزگران صدامی هستند. ناگفته نماند که تعدادی از کارگران آمریکایی و تعدادی از کارگران شرکت به جبهه های نبرد در مدت ده روز برای انتقال کارخانه هستند.

میزان تولید در سال گذشته (حدود پانصد تن) افزایش چشمگیری داشته است. کارگران ضمن گذراندن دوره اسلحه شناسی، تاکنون مبلغ سیصد و شصت هزار ریال کمک مادی به جبهه ها کرده اند.

کارخانه های نورد امپریالیسم آمریکا و شرکت آلوم مقابل با محاصره (پارس) در شهر صنعتی اقتصادی، با تلاش افزایش چشمگیری داشته است. کارگران ضمن گذراندن دوره اسلحه شناسی، تاکنون مبلغ سیصد و شصت هزار ریال کمک مادی به جبهه ها کرده اند.

کارخانه کفش «سه ستاره» را ملی کنید

کارگران مبلغ صد و هشتاد هزار ریال تعلق گیرد.

بعد از انقلاب، شورای کارکنان تشکیل شد، ولی پس از شش ماه، به علت کارشناسی های کارفرما، منحل شد. اخیراً کارگران دوباره دست به انتخاب شورای مجددی زده اند. در این مورد با یکی از اعضا شورا به گفتگو نشستیم.

کارخانه کفش سه ستاره در جاده ساوه قرار دارد و تعداد ۳۳۰ نفر کارگر و کارمند در آن کار می کنند، که ۳۰ نفر آن ها کارمند و بقیه کارگر هستند.

این کارخانه هنوز در اختیار کارفرمای سابق است، که در اغلب کارخانه های کفش سازی ایران، از جمله "شادان پور" سهمیم است.

بعد از پیروزی انقلاب، کارشناسی هایی در امر تولید کارخانه انجام گرفته است، تا جایی که به مرور نصف ظرفیت کارخانه ظاهراً به علت کمبود مواد اولیه به حالت تعطیل درآمده است.

از شش ماه پیش پرداخت حق بیمه کارگران به اداره بیمه قطع شده است، در حالی که هر ماه از حقوق کارگران حق بیمه کسری می شود. این عمل کارفرما باعث شده است که اداره بیمه از تعدید اعتبار دفترچه های درمانی کارگران خودداری کند.

طرح طبقه بندی مشاغل کارگران از مدت ها پیش مسکوت مانده است. در صورت اجرای این طرح، باید بابت دریافتی عقب افتاده، به هر یک از

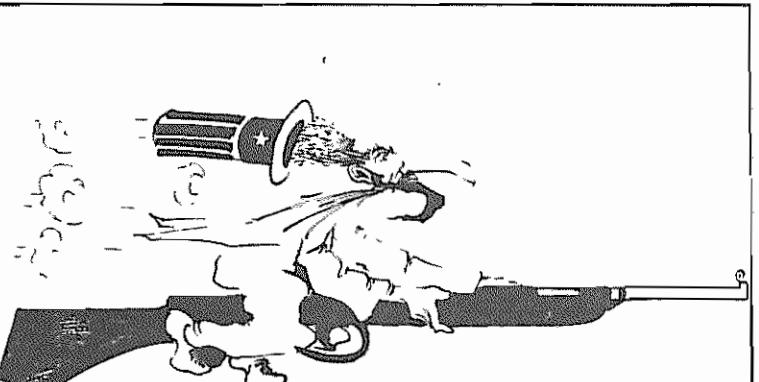
اگر بر خسورد ما قاطع بود، نیمی از کارخانه نمی خوی آید.

عضو شورا گفت:

"برای اولین بار در تاریخ ۵/۱۰/۵۹ در جلسه ای که هر هفته از طرف اعضا شورای کارگران کارخانه های مختلف در کارخانه لیلا ندمنوتور تشکیل می شد، شرکت کردم. در این جلسه، پس از بیان مشکلات کارخانه خود، شدیداً از طرف سایر اعضا شورای کارخانه های دیگر مورد انتقاد قرار گرفتم. انتقاد آن ها هم به جا بود. آن ها اظهار می

داشتند که چرا در این مدت پس از انقلاب این طور با لاقیدی با کارفرما برخورد کرده ایم که این کار باعث به تعطیل کشاندن نیمی از کارخانه شود. اخیراً کارفرما پیشنهاد کرده است که هر چند وقت یکبار کارخانه به مدت ده روز تعطیل شود، که کارگران شدیداً با این کار مخالفت کرده اند.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میمنه انقلابی دفاع کنید!



توطئه جدید آمریکا را با اتحاد نیروهای راستین انقلابی خنثی کنیم

رای اصولی و عادلانه دادگاه انقلاب فیروز کوه مانعی در راه اهداف ضدانقلاب شد

عوامل ضدانقلاب در روستای طارس فیروزکوه زیر پوشش اسلام دست به تحریک و توطئه زدند. اما رای اصولی و درست دادگاه انقلاب فیروز کوه مانع از تحقق یافتن اهداف آنها شد.

طبق اطلاعات رسیده، چندی پیش مردم زحمتکش روستای طارس، برای ساختن آسیاب مورد نیاز روستای خود، قطعه زمینی را (که قبلاً گورستان روستا بود و از مدت‌ها قبل متروکه بود و از آن استفاده نمی‌شده) از شورای ده خریداری کردند. لیکن ضدانقلابیون با بهره‌گیری از این فرصت، برای تحریک و توطئه در زیر پوشش اسلام، تحت نام انجمن اسلامی و به بهانه اینکه در گورستان نمی‌شود آسیاب ساخت، مانع اینکار شدند. این افراد ضدانقلابی، که برخی از آنها با رژیم سابق همکاری‌های فراوان داشتند، اصلاً ساکن ده نیستند، بلکه در تهران و سایر شهرها زندگی می‌کنند و فقط برای گردش به طارس می‌آیند و پوشش کارشان هم

عنوان "انجمن اسلامی" شده است. این مسئله باعث درگیری روستائیان با افراد مزبور شد و در نتیجه چند نفر زخمی شدند، که این موضوع به اطلاع سپاه پاسداران منطقه رسید. ولی ضدانقلابیون، با جوسازی و تحریف حقایق، زمینه را برای دستگیری و بازداشت ۲۴ ساعته چندتن از روستائیان مهیا کردند. پرونده این روستائیان بعد از بازداشت به دادگاه انقلاب فیروزکوه ارجاع شد، که خوشبختانه دادگاه انقلاب، با واقع بینی، مانع از تحقق یافتن اهداف ضدانقلاب شد.

دادگاه انقلاب یک نهاد بسیار حساس و مهم انقلابی است که در فیروزکوه به وظیفه خطیر خود بدرستی عمل کرد و با دفاع از اسلام راستین نگذاشت اسلام دروغین ضدانقلاب به حربه‌ای علیه دهقانان زحمتکش بدل شود.

عمل ضدانقلابیون در شرایط حساس کنونی هشدار است بمسئولین و نهادهای انقلابی و به ویژه سپاه پاسداران، که بخاطر انقلاب و وظیفه دارند بهتر و بیشتر از ماهیت این افراد با خبر باشند و با برخوردی منطقی با وقایع، جلو توطئه‌های ضدانقلاب را در زیر پوشش اسلام بگیرند. این توطئه‌ها در واقع حمله مستقیم به اسلام راستین و توصیه‌های امام خمینی در زمینه رسیدگی به امور دهقانان زحمتکش است.

نقش انقلابی جهادسازندگی شهرستان یزد

جهادسازندگی یزد، در مدتی که تشکیل شده، در زمینه راهسازی اقدامات مهمی در این منطقه انجام داده است. این موفقیت‌ها در شرایط بدست آمده که این نهاد انقلابی از نظر امکانات، مانند ماشین آلات و وضع مالی و نداشتن سازماندهی و تجربه کافی سخت درمیافته است. پیام روستا، ارگان جهادسازندگی یزد، در آخرین شماره خود، در مورد اقدامات اخیر این جهاد اطلاع‌ای منتشر کرده، که حاکی از فعالیت‌های شایان تحسین این نهاد انقلابی در یزد است. از جمله کارهای انجام شده، اسفالت جاده‌ها، آسفالتهای ۲۴ کیلومتر راه درجه یک دهپیر، ساختن ۱۰۰۰ متر مربع جاده و کوچه‌های حسن آباد مشیر و بسیاری اقدامات دیگر در زمینه راهسازی در نقاط مختلف این استان است. لازم به توضیح است که به علت بدی شرایط اقلیمی، هیچ‌یک از این کارها در این زمان انجام می‌گیرد. اما امیدواریم که اقدامات مفید و سازنده جهادسازندگی یزد روز بروز وسعت بیشتری پیدا کند و سر مشقی برای نهادهای مسئول باشد. همچنین ما از مقامات دولتی و مسئولان خواستاریم که به این نهاد انقلابی از نظر کمبودها و نیروی متخصص و متعهد و مومن به انقلاب یاری کنند.

داد مظلومان

اخبار کوتاهی که در زیر میخوانید، مربوط به استان مازندران است، گوشه‌هایی از وضع روستائیان و مسئله اصلی آنان در این اخبار رباتاب می‌سازد:

● با محاکمه فتوادلهای بزرگ، داد مظلومان را بگیرید.

دراهمیاتی روز ۲۸ صفر مردم ساری، قطعنامه‌ای به تصویب رسید. ماده ۷ قطعنامه چنین اعلام می‌داشت: "ما مردم ساری از دادگاه محترم انقلاب اسلامی شهرستان ساری می‌خواهیم، ضمن رسیدگی به کلیه پرونده‌های موجود و با محاکمه و مجازات ثروتمندان و فتوادلهای معروف در منطقه، که سالها خون این ملت را مکیده‌اند، داد مظلومان را از ظالمان بگیرند."

● اعمال نفوذ مالکان بزرگ

یک هفته‌نامه منتشره در مازندران، در باره دادگاه مظلومان، لیس و بساط خان‌خانی و قلدری آنها در روستای "ملک" آباد، می‌نویسد: "حدود ۱۰۰ هکتار زمینهای "ملک آباد"، (که بیش از ۵٪ از زمینهای این روستاست) در اختیار ۳ نفر از فتوادلهای است، که تاکنون با اعمال نفوذ توانستند

عقاید و نظرات خود را به کرسی نشاندند. بهمین جهت در این روستا طرح اصلاحات ارضی ناموفق بود. بعلاوه روستائیان این روستا آب آشامیدنی خود را از آبهای آلوده و متعفن آب‌بندان تهیه می‌کنند.

● مخالف خوانیها سبب توقف کار هیئتهای هفت نفری شده است.

چون کار هیئت هفت نفری زمین در مازندران فعلاً متوقف مانده است، حجت الاسلام افشاری، که یکی از اعضای مهم هیئت هفت نفری زمین است، گفت: "کار ما متوقف است. دلایل این توقف بسیار است که مخالف خوانیها یکی از آنهاست." وی اضافه کرد: "هرگاه منافع فتوادلهای در معرض خطر قرار می‌گرفت، آنها بیکار رنمی‌نشستند و طبیعتاً است که اینبار هم یکی از مهمترین عوامل باشد."

● مشکلات ده "دودانگه"

سرپرست سپاه پاسداران دودانگه در گفتگویی گفت: "مشکلات مردم این بخش از مازندران، که بیش از ۴۰ روستای بزرگ و کوچک را شامل می‌شود، یکی دوتا نیست... از نداشتن جاده، آب آشامیدنی سالم، حمام، مدرسه، تا عدم حضور یک پزشک و در مجموع فقدان یک نظام بهداشتی صحیح را می‌توان نام برد..."

گذری به روستای «منصور پیگی»

زمین‌هایشان در مضیقه هستند. به علت مشرف بودن زمین به نهر، آب کافی به زمین هائمی‌رسد. آب آشامیدنی بشکلی ۲ تا ۵ تومان از شهر به وسیله موانت-بار به روستا آورده می‌شود.

در روستای منصور پیگی، از ۱۴۰۰ خابوار، هشت خانوار آن کم زمین هستند و بقیه دهقانان بی‌زمینی هستند که به نقل کارگری روی آورده‌اند. آب این روستا به علت تلخ بودن قابل استفاده نیست و اهالی این روستا آب آشامیدنی خود را از شهر به بهمان تامین می‌کنند. بهداشت این روستا به علت کمبود آب وضع نامساعدی دارد. اهالی از داشتن شرکت تعاونی بی‌بهره‌اند.

دهقانان می‌گویند: "جهت تامین آب به یکی از روحانیون ده مراجعه کردیم، ولی او در جواب گفت که برای زدن چاه به ۱۰۰ هزار تومان پول احتیاج است." یکی دیگر از دهقانان می‌گوید: "الان که زمستان است و باران می‌آید، با جمع کردن آب باران در سطل برای چند روزمان می‌توانیم آب داشته باشیم. ما امیدواریم که این مسئله به وسیله جهاد سازندگی برطرف شود، چون در سال گذشته جهاد سازندگی برق این روستا را تامین کرده و اهالی از این اقدام خیلی راضی هستند."

در این روستا پزشک و بهداشتی وجود ندارد. در شمال این روستا یک کوره گچ وجود دارد که ۵ دهقان در آن کارگری می‌کنند. یکی از این کارگراها، که ۵ سال سابقه دارد، در مورد نحوه کار و دستمزدشان می‌گوید:

"ما همگی اهل روستای قنبریه‌ها هستیم و کارمان این است که سنگ گچ را در کوره بگذاریم، تا بپزد و بعد آنها را به انبار حمل کنیم. دستمزد ما نه مطابق ساعت کار است نه مطابق میزان تولید. اگر در روز ۱۰۰ گاری گچ هم درست کنیم، هیچ‌گونه حقوقی دریافت نمی‌کنیم، بلکه به نسبت تعداد کاری - هائی که در روز به فروش می‌رسد، مزد دریافت می‌کنیم. گاهی اوقات به علت این که در روز فروشی نداشته‌ایم، هیچ‌گونه مزدی دریافت نمی‌کنیم، ولو اینکه در آن روز زحمت و کار زیاد هم انجام داده باشیم."

آن وضع مالکیت زمین، که ۳/۵ خیش (هر خیش تقریباً ۵۰۴ کیلوگرم می‌دهد) در مالکیت یک سرمایه‌دار شهری باشد، و این وضع رفتار با کارگران نمی‌تواند قابل دوام باشد. همین انقلابی‌ها متعلق به زحمتکش است و متکی به آنهاست. در منطقه حساس بهبهان، در مجاورت میدان‌های نبرد سهمگین علیه توطئه‌های آمریکا، باید نیروهای مدافع انقلاب را مستحکم نمود و به خواست‌های حقه دهقانان رسیدگی کرد. توجه مقامات مسئول دولتی و نهادهای انقلابی را برای حل مسائل این روستا جلب می‌کنیم.

روستای منصور پیگی در ۱۵ کیلومتری شمال بهبهان واقع شده است. اهالی این روستا از عناصر طبیعی و بهمنی هستند، که حدود بیست سال قبل به این مکان کوچ کردند. در آن زمان مالک روستا شخصی به نام "موسوی" (سلطان‌مردوم و برادرش بوده است) و لی یکی از بازاریان بهبهان زمین‌ها را از موسوی اجاره می‌کند، که بعدها اختلافاتی بین خود غارتگران بر سر مالکیت زمین بوجود می‌آید. در نتیجه اکنون از ۲/۵ خیش زمین در این روستا، ۳/۵ خیش آن متعلق به بازاری سرمایه‌دار و ۴ خیش بقیه متعلق به ۸ خانوار اهالی ده است. بدین ترتیب از ۱۴ خانوار در این روستا، ۸ خانوار آن کم-زمین و بقیه فاقد زمین هستند.

یکی از دهقانان در این مورد می‌گوید: "ما از شخصی مالک به هیئت هفت نفره شکایت کرده‌ایم، ولی تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم." یکی از دهقانان در مورد نحوه کار شرکت سابق تعاونی می‌گوید: "این شرکت تعاونی در موقع کشت هر گاو ۱۰۰ کیلوگرم گندم آلودی (خارجی) می‌داد که برایش کشت بکنیم و خود شرکت هم برایمان شخم می‌زد و کود می‌داد و در همان موقع قیمت کل شخم‌زدن و کود و بذردادن را با ما حساب می‌کرد و اگر آخر سال انتقالی از قبیل سیل و یخ‌زدگی و غیره برای محصول به بار می‌آمد، شرکت تمام پول معین شده را از ما مطالبه می‌کرد. در واقع شرکت هیچوقت ضرر نمی‌دید. اگر محصول می‌داد، که متعلق به خودش بود، و اگر ضرر می‌دید، که خود ما باید متحمل می‌شدیم."

اهالی این روستا از نظر آب برای

روستائیان روستای «شریعتی» و مشکل زمین و وسایل تولید کشاورزی

روستای شریعتی در ۴۵ کیلومتری باغملک و در ۳ کیلومتری هفتگل قرار دارد. در این روستا حدود ۶۵ خانوار زندگی می‌کردند، که ۳۰ خانوار آن به شهر رفته‌اند و در حال حاضر فقط ۳۵ خانوار در آن بسر می‌برند. جمعیت روستا به ۳۰۰ نفر می‌رسد. طبق قانون اراضی "شریعتی" هنوز واگذار نشده‌اند و مطابق گذشته کشت می‌شوند. در این روستا زمین‌ها را طبق سنت کربوه (بسرپر) یعنی بر اساس فامیل تقسیم می‌کنند، بدین شکل که، ابتدا از هر فامیل یک نماینده انتخاب می‌شود و بعد قرعه "تیر" می‌اندازند. قرعه بنام هر کس افتاد، او زمین را بین فامیل خود قسمت می‌کند (تعداد فامیل‌ها در این روستا چهار تاست). در این روستا از بزرگ مالکی خبری نیست. لیکن اراضی وسیع و مرغوب و مستعد کشاورزی وجود دارد. در روستای شریعتی همچنین تعدادی بی‌زمین زندگی می‌کنند. روستا دارای قناتی است که آب باغ‌ها را تامین می‌کند. طبق گفته سالمندان روستا، در قدیم پدرانشان اراضی پایین روستا را میوه می‌کاشتند. اگر دولت وسایل و امکانات کار را در اختیار کشاورزان قرار دهد، آنان می‌توانند صیفی‌جات و میوه فراوان تولید کنند.

برای آب آشامیدنی روستائیان، جهاد سازندگی با تانکر آب شیرین از رود زرد می‌آورد. جاده ارتباطی روستا خراب است و نیاز به مرمت دارد، زیرا در زمستان با اولین باران رفت و آمد در آن مشکل می‌گردد.

به دلیل فقدان وسایل مدرن کشاورزی، افزایش تولید میسر نیست. دبستان روستا ویران است و نوا موزان در زیر چادر درس می‌خوانند و برای ادامه تحصیل به مسجد سلیمان یا هفتگل می‌روند. دختران روستا تنها می‌توانند دوره پنج ساله ابتدایی را تمام کنند. اولیاء آنها می‌گویند: "چون در شهر جایی نداریم، نمی‌توانیم دخترانمان را به شهر بفرستیم."

روستائیان زحمتکش روستای شریعتی انتظار دارند که هیئت واگذاری زمین کار اجرایی قانون اصلاحات ارضی را بسود آنان انجام دهد و دولت نیز وسایل و امکانات کار را از قبیل تراکتور، کود، بذر را در اختیارشان قرار دهد. روستائیان مطمئن هستند که با انجام اقدامات فوق می‌توانند زمین - های گسترده روستا را، که دارای خاک مناسب کشاورزی هستند، به زیر کشت ببرند و از این طریق تولید محصولات را در جهت خدمت به تعمیق و تحکیم انقلاب افزایش دهند. لذا ضروری است که به این انتظار بحق روستائیان هرچه سریع‌تر پاسخ داده شود، و احتمالاً نحوه تشکیل تعاونی‌های تولید، که از سنت‌های قدیمی همکاری و همیاری دهقانان بهره‌گیری کند، منتهی نه در چارچوب یک خانواده، بلکه در مقیاس تمامی اهالی ده مورد بررسی قرار گیرد.



سرمایه‌دار وابسته: همون نمی‌کنم این توطئه آخری آمریکا هم بتونه موفق بشه! بزرگ مالک: باید کمکش کنیم. جبهه داخلی مربوط به ماست! بهمن وتو... سرمایه‌دار وابسته: آره، تا تجارت خارجی ملی نشده بازار دست ماست، میتونیم بزرگ مالک: تا قانون اصلاحات ارضی اجرا نشده زمین‌ها دست ماست، میتونیم

دولت باید هر چه زودتر برای حل مشکلات درمانی اقدام کند

زحمتکشان که آماده هر گونه فداکاری هستند میگویند:



بیماران منتظر فرارسیدن نوبتشان هستند (درمانگاه بیمارستان امام خمینی) بخاطر استفاده از سرویس پزشکی مجهز و رایگان، بیماران از چهارگوشه کشور به چند بیمارستان مجهز و دولتی تهران هجوم می‌آورند.

امروزه مشکلات درمانی و بهداشتی مستقیماً و قبلاً از همه، گریبانگیر توده‌های زحمتکش است. زحمتکشان، به‌علت کارهای مشقت با روستا و زندگی نازل، بیش از همه در معرض انواع بیماری‌ها قرار دارند. تسهیلات و امکانات پزشکی نیز در آن حدی نیست که بتوانند جوابگوی همه زحمتکشان باشد.

گزارشگر نامه "مردم" از بعضی مراکز درمانی دولتی، که اکثریت زحمتکشان برای درمان به آنها مراجعه می‌کنند، دیدن کرده‌است. وی در گزارش خود می‌نویسد:

"مقابل درمانگاه گوش و حلق و بینی بیمارستان رازی، که از میان انبوه بیمارستان‌ها، به انتظار نوبت نشسته‌اند، با خانم گلی مصطفی زاده، که کودک یک ساله‌ای، با گلوئی ورم کرده، در بغلش بخواب رفته بود، به گفتگو نشستم. در حالی که اشک در چشمش حلقه زده بود، گفت: "همه مریض هستیم. خودم، این بچه، بچه بزرگم، دیگر چه می‌گویم."

وی ادامه داد:

"خانه ما در خانه است. شوهرم راننده است. بیمه هم نیست. دیشب این بچه را بر دم دکتر خصوصی درنازی آباد، ۱۵۰ تومان پول ویزیت و دارو شد. ما این پول را از کجا بیاوریم؟ حمام نداریم. خانه‌ام دیوارش ترک برداشته. چه خوب بود اگر بیمه بودیم، دکترها از دولت حقوق می‌گرفتند و ما هم به همان دکترهای نزدیک خانه‌ها میمانیم."

سپس وارد بخش پوست این بیمارستان شدم و با چند تن از بیماران، که در یکی از اتاق‌های این بخش بسر می‌برند، به گفتگو نشستم. یکی از بیماران بنام مرتضی ترکمانی، کارگر نازنشته راه آهن، می‌گوید:

"تمام بیماران این اتاق از نقاط مختلف کشور به این جا می‌آیند. وی سپس می‌گوید: "دولت با بدلاقل در هر شهر بزرگ یک بیمارستان مجهز با بخش‌های مختلف دایر کند، تا مردم مجبور نشوند خانه و کاشانه خود را ترک کنند و برای درمان به تهران بیایند. یکی دیگر از بیماران می‌گوید:

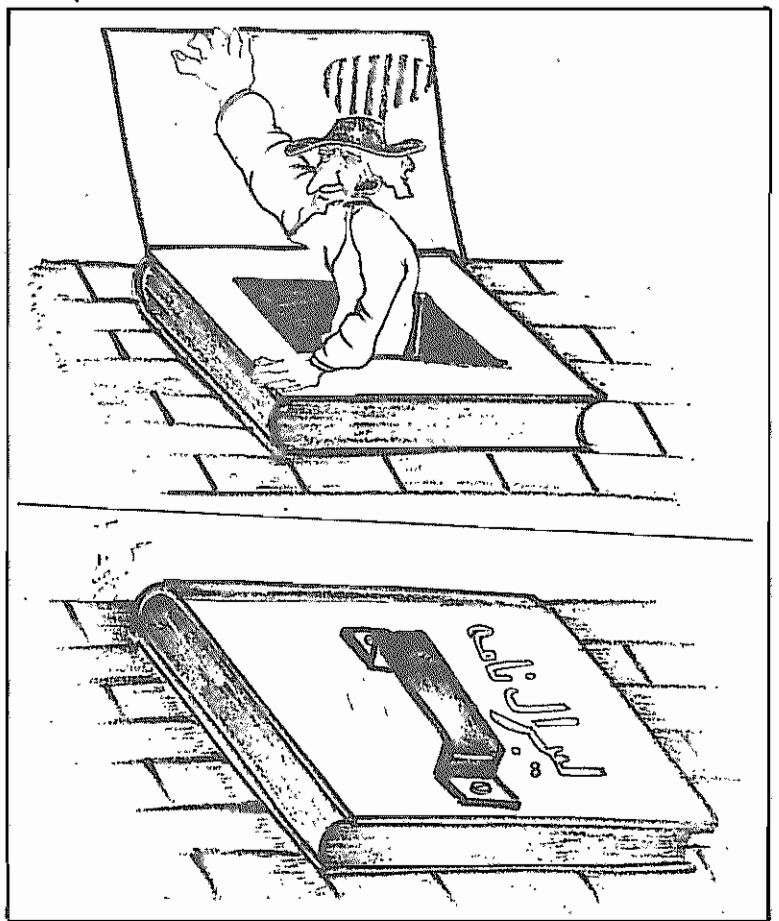
"من از زنجان آمده‌ام." دیگری می‌گوید: "من از دهات بروم می‌آیم. آنجا اصلاً دکتر پوست ندارد. یکی دیگر از بیماران می‌گوید: "محل زندگی من صدوسی فرسخ از مشهدفاصله دارد." مرتضی سپس، در ادامه سخنان خود، ضرورت طب و بیمه دولتی را متذکر می‌شود و می‌فزاید:

"ما تا آنجا که در قدرت داریم، با دشمن می‌جنگیم و تسلیم آمریکا نمی‌شویم. واردات با بعدی شدم. با خانم میانسالی، که به نظر روستائی می‌رسید و بالای تخت دخترش ایستاده بود، صحبت می‌کنیم:

"دخترم خدیجه کیانی نام دارد. آپا ندیش را عمل کرده‌اند. یا وجودت ما این مشکلات، ما تا آنجا که در قدرت داریم، با دشمن می‌جنگیم و تسلیم آمریکا نمی‌شویم. واردات با بعدی شدم. با خانم میانسالی، که به نظر روستائی می‌رسید و بالای تخت دخترش ایستاده بود، صحبت می‌کنیم:

"دخترم خدیجه کیانی نام دارد. آپا ندیش را عمل کرده‌اند. یا وجودت ما این مشکلات، ما تا آنجا که در قدرت داریم، با دشمن می‌جنگیم و تسلیم آمریکا نمی‌شویم. واردات با بعدی شدم. با خانم میانسالی، که به نظر روستائی می‌رسید و بالای تخت دخترش ایستاده بود، صحبت می‌کنیم:

"دخترم خدیجه کیانی نام دارد. آپا ندیش را عمل کرده‌اند. یا وجودت ما این مشکلات، ما تا آنجا که در قدرت داریم، با دشمن می‌جنگیم و تسلیم آمریکا نمی‌شویم. واردات با بعدی شدم. با خانم میانسالی، که به نظر روستائی می‌رسید و بالای تخت دخترش ایستاده بود، صحبت می‌کنیم:



نمایشگاه عکس و پوستر در قوچان



توسط اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستان قوچان، نمایشگاه عکس و پوستری به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب مردم ایران، در میدان مرکزی این شهر، از ۱۹ بهمن برپا شد که مورد استقبال مردم قرار گرفت. همزمان با برپایی این نمایشگاه، نمایشگاه‌های دیگری نیز در چند مدرسه شهر قوچان توسط دانش‌آموزان هوادار حزب توده ایران برپا شد، که مورد توجه خاص دانش‌آموزان قرار گرفت.

با حزب کمونیست

بقیه از صفحه ۳

کمونیست فرانسه "تبدیل شده است. کمونیست‌های فرانسه این تصمیم را خطری برای صلح اروپا و جهان و امنیت فرانسه ارزیابی کرده‌اند. در این گستره می‌توان از تظاهرات عظیمی که در زمستان ۱۳۵۸ و تابستان امسال، با همکاری چهارده سازمان دیگر، زیر عنوان "دوروز برای خلع سلاح" برگزار شد، نام برد.

ابتکار "حزب کمونیست فرانسه" و "حزب متحد کارگر لهستان"، در فراخوانی "دیدار احزاب کمونیستی و کارگری اروپا برای صلح و خلع سلاح" در پاریس در بهار امسال دارای اهمیت ویژه بود. این دیدار نه تنها به تحکیم اتحاد عمل احزاب کمونیست اروپا در مبارزه در راه صلح کمک کرد، بلکه هم چنین گام بزرگی در راه بسیج همه نیروهای صلح‌دوست این قاره به شمار می‌رود.

فرانسه "همواره با این دروغ امپریالیستی به نبرد برخاسته است، که گویا خطر اتحاد شوروی جهان غرب را تهدید می‌کند. این حزب خاطرنشان ساخته است که اگر درسی و پنج سال اخیر صلح جهانی توانسته است حفظ شود، "علت عمده" آن را باید در نقش کشورهای سوسیالیستی، به ویژه "اتحاد شوروی" جستجو کرد. به گفته "حزب کمونیست فرانسه"، "سراسر تاریخ اتحاد شوروی نشان می‌دهد که اتحاد شوروی جویای صلح و صلح از سوسیالیسم گسستناپذیر است." چندی است که بیکار علیه تصمیم "ناتو" پیرامون استقرار موشک‌های میان‌برد جدید در اروپا به یکی از مهم‌ترین مسائل مبارزاتی "حزب

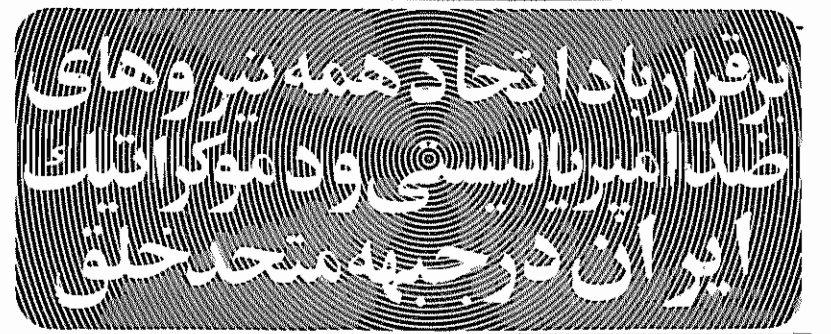
۱۰۰ درصد = «۸ + ۲۰۰۰»

۱۳ سال پیش، تنها ۳۰۰ مدرسه حداکثر شش‌ساله در این کشور وجود داشت، اینک ۱۲۰۰ دبستان ۸ ساله و ۴۰ دبیرستان در رین دمکراتیک مشغول بکار است. در سال ۱۳۴۶، تنها یک‌دهم اهالی رین جنوبی سواد نوشتن و خواندن داشتند؛ اکنون از ۱۸ میلیون نفر جمعیت جمهوری دمکراتیک خلق رین ۳۵۰ هزار دختر و پسر به مدرسه می‌روند.

علاوه بر آموزش همگانی، دولت جمهوری دمکراتیک خلق رین اینک هر چه بیشتر در راه گسترش آموزش حرفه‌ای و تخصصی گام برمی‌دارد.

"معادله" بالا اینروزها بر سر در وزارت آموزش و پرورش جمهوری دمکراتیک خلق رین جلب نظر میکند. در این "رابطه ریاضی"، یکی از هدفهای بنیادی ین دمکراتیک در گسترش آموزش و پرورش نمایان میشود. بدین معنی که، قرار است تا سال ۲۰۰۰ شرایط آموزش همگانی و رایگان هشت‌ساله برای ۱۰۰ درصد کودکان یعنی تا مین گردد.

در ۱۳ سال اخیر، یعنی از هنگام اعلام استقلال سیاسی رین از استعمار بنیتانیا، بسیاری از شرایط ضروری و مهم برای پیشبرد این هدف بنیادی پی‌ریزی شده‌است. در حالیکه



در کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

روابط بازرگانی و همکاری اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با کشورهای در حال توسعه

فنی را اجرا میکند.

در کشورهای رو به رشد، با کمک اتحاد شوروی، موسساتی برای رشته‌های مهمی از اقتصاد مانند ذوب فلزات، استخراج و تنگ، تولید نیروی برق و صنایع غذایی، حمل و نقل و ارتباطات، کشاورزی و غیره ساخته میشود. در اغلب موارد، تاسیساتی که با کمک اتحاد شوروی ساخته میشوند تبدیل به اساس پیشرفت صنایع ملی کشورهای رو به رشد شده‌اند.

کلید موسسات و تاسیساتی که در کشورهای رو به رشد با کمک اتحاد شوروی ساخته میشوند در حال ساختن هستند، در مالکیت کامل خود این کشورها قرار دارند. اتحاد شوروی وسایل فنی مدرن را با شرایط مساعد در اختیار کشورهای نواستقلال قرار میدهد و در اداره و بهره‌برداری از آنها به این کشورها کمک میکند.

کمکهای اتحاد شوروی در بسط و توسعه صنایع تولید نیروی برق در کشورهای نواستقلال، برای صنعتی شدن این کشورها اهمیت فراوان دارد. صدور لوازم و تجهیزات مورد نیاز ساختمان مرحله اول نیروگاه حرارتی در آرمین؛ بظرفیت تولیدی ۶۳۰ هزار کیلووات در ایران پایان رسیده است. اولین پلک این نیروگاه هم‌اکنون مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. ساختمان نیروگاه حرارتی اصفهان نیز در حال گسترش میباشد.

پاشرکت اتحاد شوروی در هند، الجزایر، ایران، ترکیه، پاکستان و نیجریه کارخانجات

رایزن امور اقتصادی سفارت اتحاد شوروی در ایران، بمناسبت آغاز کار بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، در محل انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد شوروی یک سخنرانی ایراد نمود. رایزن امور اقتصادی سفارت اتحاد شوروی در آغاز این سخنرانی از کمونیست اتحاد شوروی و طرح برنامه پنجساله توسعه اقتصادی اتحاد شوروی که در این کنگره مورد بررسی قرار گرفته است و همکاریهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد اظهار تائید کرد.

رایزن امور اقتصادی سفارت اتحاد شوروی در این باره گفت: طبق برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی کشور، در پنج سال آینده روابط اقتصادی خارجی اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد بازم توسعه بیشتری خواهد یافت. اتحاد شوروی با کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و از آنجمله با جمهوری اسلامی ایران روابط اقتصادی متنوعی دارد و در امر برقراری بنیاد اقتصاد ملی مستقل با این کشورها همکاری می‌کند و از لحاظ تکنولوژی و کارشناسان حرفه‌ای به آنها یاری می‌رساند. روابط اقتصادی و همکاریهای اتحاد شوروی با این کشورها بر پایه اصول برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و بر اساس علاقه و سود متقابل برپا میشود. روابط مزبور به مبارزه کشورهای زیندرسته در راه تجدید بنای مناسبات اقتصادی با کشورهای سرمایه‌داری، بر مبنای اصول دموکراتیک و عادلانه کمک و مساعدت میکنند.

تا ازیل سال ۱۹۸۰ اتحاد شوروی با ۶۳ کشور در حال رشد در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین موافقت‌نامه‌های دولتی همکاری اقتصادی و

کشورهای رو به رشد کمکهای فراوانی میکند. در کشورهای نواستقلال کارگران و استادکاران، در جریان ساختمان و ممتاز و بهره‌برداری از موسسات صنعتی و تاسیسات دیگر همچنین در آموزشگاههایی که با همکاری اتحاد شوروی تاسیس شده‌اند تخصص‌های لازم را کسب میکنند. علاوه بر این شهروندان کشورهای رو به رشد در آموزشگاهها و موسسات و آزمایشگاه‌های اتحاد شوروی تخصص‌های گوناگون فرا میگیرند.

بیش از یک میلیون نفر از شهروندان کشورهای نواستقلال در آموزشگاهها و در جریان ساختمان و بهره‌برداری از موسسات صنعتی و سایر تاسیسات، تخصص‌های لازم را کسب کرده‌اند.

اتحاد شوروی طبق موافقت‌نامه‌هایی که با این کشورها دارد در ساختمان ۳۱۰ موسسه آموزشی در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند. تا اول ژانویه سال ۱۹۸۰ از این تعداد ساختمان ۱۴۰ آموزشگاه خاتمه یافت و مورد استفاده قرار گرفتند. ده‌هزار نفر از شهروندان کشورهای رو به رشد تحصیلات خود را در آموزشگاههای عالی و متوسطه حرفه‌ای و فنی اتحاد شوروی پایان رسانده‌اند. دانشگاه دوستی ملل بنام یاتیس لوبومبا در مسکو که ۲۰ سال است تاسیس یافته یکی از مراکز بزرگ آموزش و پرورش کارشناسان در رشته‌های مختلف دانش و تکنیک برای کشورهای در حال توسعه است.

سخنران رایزن امور اقتصادی سفارت اتحاد شوروی در ایران نشان میدهد که کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی اقیانوس روشن و شادوهای بازم مستحکم‌تری را برای تقویت این همکاریهای ثمربخش مبتنی بر احترام متقابل و برابری حقوق فراهم می‌آورد و اجرای برنامه‌هایی که در این کنگره به تصویب میرسد، بنویه خود، امکانات تازه‌تری را در این زمینه ایجاد میکند.

ذوب آهن ساخته شده و یا در دست ساختمان است. این کشورها که از تولیدات کارخانه‌های ذوب آهن خویش، بخش مهمی از نیازمندیهای خود را تأمین میکنند سالانه قریب ۱۰ میلیارد دلار از این راه صرفه‌جویی میکنند. تا اول ژانویه سال ۱۹۷۹ با کمک اتحاد شوروی ۱۳ مجتمع ذوب آهن در کشورهای نواستقلال ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

با همکاری اتحاد شوروی پالایشگاهها و کارخانجات پتروشیمی و موسسات ماشین‌سازی و فلزشسازی در بسیاری از کشورهای نواستقلال ساخته شده و یا در دست ساختمان است. اتحاد شوروی کار صدور لوازم و تجهیزات پالایشگاهها، موتور را در کشور هند (بظرفیت تولید سالانه ۶ میلیون تن نفت) بی‌پایان رسانده است. با همکاری اتحاد شوروی (تا اول ژانویه سال ۱۹۷۹ در کشورهای در حال رشد ۴۴ موسسه ماشین‌سازی و فلزشسازی شروع به تولید محصول نموده‌اند.

اکتشاف و شروع بهره‌برداری از منابع زیرزمینی بخش مهمی از همکاری اتحاد شوروی با کشورهای نواستقلال است. معدن‌شناسان شوروی در امر کشف ذخایر قابل توجه نفت در هندو سواریه، سنگ آهن در غنا، سنگهای فلزات دیگر در الجزایر، معادن فسفات در ایران و سوریه - معادن طلا در تانزانیا و منابع دیگر به این کشورها کمک کرده‌اند.

اتحاد شوروی در کار آموزش کادر متخصصان صنایع و کشاورزی و کادری علمی و فنی به

بازتاب جهانی گزارش تئوید برژنف به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهادها مطرح شده در گزارش رهبر اتحاد شوروی درباره تشکیل جلسه ویژه شورای امنیت در سطح سران دول را تأیید کرد و اطلاع داد که بزودی مشورتی تأمین خواهد کرد. عضو شورای امنیت آغاز خواهد کرد. خبر گزار فرانس پرس گزارش داد که پیشنهادهای رهبر شوروی در باره توسعه مناطق اشتباه در اروپا در محافل رهبری فرانسه با نظر تأیید تلقی شده است. در این محافل اظهار عقیده شده است که این پیشنهادها برای ازسر گرفتن مذاکرات میان خاور و یاخته زمینه مساعدی فراهم میکنند. سوئدی نخست‌وزیر ژاپن در مورد پیشنهادها اتحاد شوروی درباره گسترش مناطق صلح و امنیت اظهار داشت اتحاد شوروی به ابتکارات تازه‌ای برای تأمین صلح و امنیت دست زده است.

از سخنرانی‌های میهمانان و نمایندگان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی

بکوشیم. این همکاری‌ها برای انجام وظایف سازندگی، هر یک از کشورهای سوسیالیستی دارای اهمیت بسزائی است. این مطلب در زمینه سیاست خارجی هم صدق میکند. بعنوان مثال فعالیت‌های پیمان دفاعی و روش رادرنظر بگیرد. این سازمان با فعالیت‌های سیاسی خود توانست راه تشکیل کنفرانس هلنیکی درباره صلح و امنیت اروپا را هموار سازد و روند تشنج‌زدائی را برقراره اروپا مسلط کند. یانوش کادار خاطرنشان ساخت سوسیالیسم به جنگ، مسابقه تسلیم‌خاستی و تشنج‌زدائی نیازی ندارد. سوسیالیسم خواهان صلح است. فیمل گاسترو رهبر کوبا در سخنرانی خود اظهار داشته بود

خود بیکار میکنند. بزرگ‌کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان ملی سخنرانی خود از کمکهای برادرانه دولت و مردم شوروی به مردم افغانستان سپاسگزار بود و اظهار داشت اتحاد شوروی زمانی دست یاری بسوی مردم افغانستان دراز کرد که مسئله زندگی و مرگ انقلاب مردم کشور ما مطرح بود. بزرگ‌کارمل درباره دستاوردهای انقلابی مردم افغانستان اظهار داشت این انقلاب اصلاح‌خاطر، ترقیات فرهنگی، برابری حقوق و امکان شرکت همه زحمتکشان را در تصمیم‌گیری‌های دولتی برای مردم افغانستان به ارمغان آورده است. بزرگ‌کارمل اظهار داشت

سدن پال دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق - مغولستان ملی سخنرانی خود اظهار داشت مهمی از ابتکارات اتحاد شوروی در زمینه استحکام مبانی صلح و امنیت خلقها قابل ستایش است. رهبر مغولستان تلاشهای امیرالیسم و ارتجاع جهانی را برای مداخله در امور کامپوچیا و افغانستان و نیز فعالیت‌های مخرب محافل تبلیغاتی امیرالیستی در مورد روابط لبستان را محکوم نمود.

کیسون فومو خان دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق لاوس در بیانات خود اظهار داشت: اتحاد شوروی دوست و متحد قابل اطمینان خلقهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین است که در راه آزادی و استقلال ملی

در جلسات بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که روز چهارم اسفند در مسکو کار خود را آغاز نمود. میاجتات و اظهار نظرهای پیرامون گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارائه گردیده، همچنان ادامه دارد.

در جلسات روز ۶ اسفند سرگئی مارکوف دبیر اول هیئت رئیسه اتحادیه نویسندگان شوروی از فعالیت نویسندگان هنرمندان اتحاد شوروی سخن گفت. وی ضمن سخنان خود اظهار داشت که آثار نویسندگان اتحاد شوروی با تیراژ چند میلیونی

توطئه‌های... توطئه‌های... توطئه‌های...

بینه از صفحه ۱
همچنین گروهکهای مائوئیستی و چپ‌نمای «بیکار»، «راه کارگر» و... با پخش وسیع اعلامیه‌هایی در سطح منطقه به ایجاد محیط درگیری و آشوب کمک فراوان می‌کنند. لازم به توضیح است که سیاه پاسداران انقلاب در ارتباط با آتش‌سوزی کتابخانه فاروق اعظم، یکی از رهبران این عمل ضدانقلابی را دستگیر کرده‌اند.
فعالیت «سرداران»
سرداران مناطق جنوبی زاهدان نیز فعالیت فراوانی در جهت مایوس کردن مردم از انقلاب و تجزین آنان علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند. این افراد که عمدتاً از یکی از مناطق جنوبی زاهدان بنام «دولک» و «دهها روستای اطراف آن اسکان دارند به انواع سلاحها، نظیر ۳-، یوزی، گلاشینکف و غیره مسلح هستند. این افراد نظیر همان «تخلیلهایی» را که سازمان مائوئیستی - آمریکائی «بیکار» و دیگر تریبه‌های پولکاز «دولت» و «انقلاب» میکنند تکرار نموده و سپاه پاسداران انقلاب را «جاسوس» معرفی می‌کنند و جهان سازندگی را «دولت‌پرستان» می‌نامند؛ این خوانین محلی و فتنه‌گرهایشان که در بین آنها افراد پاکستانی نیز دیده می‌شوند، آزادانه در روستاها صلح و امنیت را برقرار می‌کنند و علیه انقلاب به تبلیغ می‌پردازند. این افراد

مسلح ضدانقلابی همچنین خود را «طرفدار مستضعفین» نیز قلمداد می‌کنند. یکی از این سرداران، که خان بزرگ و صاحب روستاست و دهها تفنگچی مسلح دارد، خود را «حامی مستضعفین» (۱) در مقابل حکومت ملامه نام گذاشته است.
لرزم اقدامات قاطع
تمامی این شواهد و قرائن نشان‌دهنده اینست که عمل ضدانقلاب در ارتباط با توطئه وسیع امیرالیسم آمریکا که گوشه‌ای از آن در کنفرانس ضدانقلابی طائف فاش شد، در جهت به آشوب کشیدن و ایجاد هرج-مرج در این استان تلاش‌دانه‌داری را آغاز کرده‌اند. این افراد با تبلیغات خود، رژیم جمهوری اسلامی ایران را «فدومردمی» نشان می‌دهند و سعی می‌کنند با استفاده از مشکلات موجود در سطح استان، نارضایتی مردم محروم این منطقه را هرچه بیشتر برانگیزند. آنان با دامن زدن به اختلافات قبیله‌ای و مذهبی، بین مردم و در جهت بوجود آوردن درگیری و آشوب دست به اقدامات هرج و مرج طلبانه و ماجراجویانه می‌زنند و علیه نهادهای انقلابی بخصوص سپاه پاسداران انقلاب و «جهاد سازندگی» تبلیغات دامنه‌داری انجام می‌دهند.
در مقابل این اقدامات برنامه‌ریزی شده، منسجم و همه‌جانبه، نهادهای انقلابی باید یاهوشیاری

مسلح ضدانقلابی همچنین خود را «طرفدار مستضعفین» نیز قلمداد می‌کنند. یکی از این سرداران، که خان بزرگ و صاحب روستاست و دهها تفنگچی مسلح دارد، خود را «حامی مستضعفین» (۱) در مقابل حکومت ملامه نام گذاشته است.
لرزم اقدامات قاطع
تمامی این شواهد و قرائن نشان‌دهنده اینست که عمل ضدانقلاب در ارتباط با توطئه وسیع امیرالیسم آمریکا که گوشه‌ای از آن در کنفرانس ضدانقلابی طائف فاش شد، در جهت به آشوب کشیدن و ایجاد هرج-مرج در این استان تلاش‌دانه‌داری را آغاز کرده‌اند. این افراد با تبلیغات خود، رژیم جمهوری اسلامی ایران را «فدومردمی» نشان می‌دهند و سعی می‌کنند با استفاده از مشکلات موجود در سطح استان، نارضایتی مردم محروم این منطقه را هرچه بیشتر برانگیزند. آنان با دامن زدن به اختلافات قبیله‌ای و مذهبی، بین مردم و در جهت بوجود آوردن درگیری و آشوب دست به اقدامات هرج و مرج طلبانه و ماجراجویانه می‌زنند و علیه نهادهای انقلابی بخصوص سپاه پاسداران انقلاب و «جهاد سازندگی» تبلیغات دامنه‌داری انجام می‌دهند.
در مقابل این اقدامات برنامه‌ریزی شده، منسجم و همه‌جانبه، نهادهای انقلابی باید یاهوشیاری

مسلح ضدانقلابی همچنین خود را «طرفدار مستضعفین» نیز قلمداد می‌کنند. یکی از این سرداران، که خان بزرگ و صاحب روستاست و دهها تفنگچی مسلح دارد، خود را «حامی مستضعفین» (۱) در مقابل حکومت ملامه نام گذاشته است.
لرزم اقدامات قاطع
تمامی این شواهد و قرائن نشان‌دهنده اینست که عمل ضدانقلاب در ارتباط با توطئه وسیع امیرالیسم آمریکا که گوشه‌ای از آن در کنفرانس ضدانقلابی طائف فاش شد، در جهت به آشوب کشیدن و ایجاد هرج-مرج در این استان تلاش‌دانه‌داری را آغاز کرده‌اند. این افراد با تبلیغات خود، رژیم جمهوری اسلامی ایران را «فدومردمی» نشان می‌دهند و سعی می‌کنند با استفاده از مشکلات موجود در سطح استان، نارضایتی مردم محروم این منطقه را هرچه بیشتر برانگیزند. آنان با دامن زدن به اختلافات قبیله‌ای و مذهبی، بین مردم و در جهت بوجود آوردن درگیری و آشوب دست به اقدامات هرج و مرج طلبانه و ماجراجویانه می‌زنند و علیه نهادهای انقلابی بخصوص سپاه پاسداران انقلاب و «جهاد سازندگی» تبلیغات دامنه‌داری انجام می‌دهند.
در مقابل این اقدامات برنامه‌ریزی شده، منسجم و همه‌جانبه، نهادهای انقلابی باید یاهوشیاری

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان: ضد انقلاب در ماسال و شاندرمن شبکه‌های مسلح تشکیل داده مردم قهرمان گیلان!

بنیادی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و بهداشتی جلوگیری می‌کنند. ضدانقلاب که در راس آن ثنودال‌های چنایکار قرار دارند همه این کار-شکنی‌ها را به حساب انقلاب می‌نویسند و شیدیدا علیه جمهوری اسلامی ایران، رهبر انقلاب و نیروهای راستین طرفدار انقلاب و تبلیغ و سپاسی می‌کنند. هدف اصلی تبلیغات ضدانقلاب، تضعیف رهبری انقلاب و دولت است.
در مدارس نیز چهجه متحد ضد-انقلاب با تمام نیرو با سوء استفاده از انحصارطلبی و قسری‌گری انجمنهای اسلامی به فعالیت مشغول است. هدف ضدانقلاب: به تعطیل کشیدن مدارس است. با کمال تأسف باید گفت هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران هم که جای واقعی‌شان باید در جبهه خلق باشد، عملاً بسود ضدانقلاب موضع گیری می‌کنند.
علاوه بر اینها ضدانقلاب اقدام به تشکیل شبکه‌های مسلح کرده و بسرت سرگرم «سربازگیری» برای این شبکه-هاست.
باندتهای فروش مواد مخدر هم بطور علنی به فعالیت پرداخته‌اند و آشکارا بسود ضدانقلاب فعالیت می‌کنند.
اخیرا سلف‌خران و نزول‌خواران نیز با تحریک ثنودال‌ها برای سرکوبی نیرو-های انقلابی وارد عمل شده‌اند و دوشدد تبه طوماری هستند که مضمون آن تقاضای مجازات برای حزب توده ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) و جنبش مسلمانان مبارز است!

بهار بهمن

باغ ما ز داغ لاله‌ها
خون‌نشان ز ژاله‌ها
همچنان جوانه میزند
همچنان شکوفه میکند
شور میزند
عطر می‌پراکند
باغ ما چه سرخ
باغ ما چه سبز پیکر است
بهرمنش بر آستین بهار دیگر است
و بهار دیگرش
از امید و عشق و کار بهتر است
باغ ما هنوز لاله میدهد
باغبان پیر ما
سبزی و نشاط باغ را
مژده هزار ساله میدهد

شعله رها

حمله ضد انقلاب به نمایشگاه عکس در فومن

افراد مشکوکی به نمایشگاه دومین سالگرد انقلاب که در فومن به وسیله هواداران حزب توده ایران برپا شده بود حمله کردند و آن را از میان بردند. این نمایشگاه عکس که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب روز ۲۳ بهمن ۱۳۵۹ برپا شد متأسفانه ساعت ۲:۵ بعد از ظهر همان روز مورد حمله عده‌ای مشکوک، زیر پوشش «حزب الهی» قرار گرفت و تخریب شد. ما ضمن محکوم کردن این اعمال ضدانقلابی از مقامات مسئول مصرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر با شناسایی و مجازات این افراد آنها را مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهند.



افزایش تولید صنعتی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی

طی دسامبر اخیر تولیدات صنعتی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی ۸۰ درصد افزایش یافت. در اطلاعاتی که از جانب دبیرخانه این سازمان در مسکو انتشار یافته گفته میشود که آهنگ رشد تولید در کشورهای جامعه سوسیالیستی بیش از دو برابر آهنگ رشد تولید در کشورهای عضو بازار مشترک اروپاست.

الحاق سرزمینهای اشغالی به خاک اسرائیل ادامه دارد

تاکنون متجاوز از هزار هکتار از سرزمینهای اعراب در جنوب خاوری بیت المقدس از جانب مقامات اشغالگر اسرائیل مصادره شده است. طی سه چهار ماه اخیر ۶ هزار هکتار از زمینهای ساحل غربی رود اردن از جانب این مقامات مصادره شده است. دولت بکین تلاش دارد تا انتخابات پارلمانی، ساختمان ده شهرک شبه نظامی جدید در این منطقه را به پایان برساند.

کمکهای نظامی و تسلیحاتی آمریکا به رژیم السالوادور افزایش می‌یابد

وزارت جنگ آمریکا اعلام نمود که تحویل جنگ افزار و تجهیزات نظامی به رژیم دست نشانده السالوادور را افزایش خواهد داد. همچنین اعلام شده است که بزودی گروه جدید مستشاران نظامی آمریکا به آن کشور اعزام خواهد شد. در حال حاضر شماره مستشاران نظامی آمریکا که در ارتش حکومت وابسته السالوادور خدمت میکنند متجاوز از هزار نفر است. عملیات سرکوبی واحدهای ارتش السالوادور علیه میهن پرستان این کشور بوسیله این مستشاران آمریکایی رهبری میشود. تنها در دوماه سال جاری (سال مسیحی) قریب سه هزار نفر از اهالی السالوادور در این عملیات کشته شده‌اند.

میتینگ برای ...

بقیه از صفحه ۱
شانه خالی کردند، در فضای امجدیه طی مدت میتینگ حتی یکبار شمار «مرگ بر آمریکا» طنین نیافتند، بالعکس شعار «مرگ بر توده‌ای» که از جانب مائوئیستهای آمریکایی «رنجبران» و عناصر مشکوک حاضر در میتینگ تکرار میشد، از زبان هواداران سرمایه داری بزرگ، فئودالیسم و پیروان دولت موقت که در امجدیه حاضر بودند، نیفتاد. آنچه بطور خلاصه در مورد میتینگ روز پنجشنبه می‌توان

شوخی نیست...!

دکتر کابوک «احمد مائو» را خواب می‌کند!

فریدون تنکابنی

بله آقا، من «مائوئیست اسلامی» هستم. سه جبهانی. سر و جان من فدای صدر مائو و نظریه سه جبهانی!
- درباره آمریکا چه می‌گویید؟
- آقا، آمریکا کدام است؟ بفرمائید دو ابر قدرت. البته از این دو ابر قدرت، آمریکای بیچاره که کاری به کار ما ندارد. برای خودش آن نور دنیا نشسته، دارد ماستش را می‌خورد و دلاره‌هایش را می‌شمارد. روسیه، آقا، ابر قدرت روسیه خطرناک است!
- نظر شما درباره اروپای غربی و ژاپن چیست؟
- آن‌ها، آقا، دنیای دومند. دوست ما هستند، چون با ابر قدرت روسیه مخالفند. باید با آن‌ها روابط گسترده‌ای داشته باشیم که قطع رابطه با آمریکا دست کم تاندازه‌های جبران شود!
- نظر شما درباره لیبرال‌ها چیست؟
- آقا، بسیار مردمان خوبی هستند!
- شما خودتان لیبرال نیستید؟
- چرا، قربان، فی الواقع بنده «مائوئیست اسلامی لیبرال» هستم!
- درباره آزادی چه نظری دارید؟
- آقا، ما باید آزاد باشیم که توده‌ای‌ها را سرکوب کنیم. آقا، مگر ریگان نگفته توده‌ای‌ها از همه خطرناکترند؟ پس از خطر توده‌ای‌ها غفل نیاشید.

دکتر کابوک، برای آن که به دادگاه انقلاب ثابت کند که شیاد و شارلاتان نیست و یک هیئتوتیزم کننده واقعی است، تقاضا کرد در حضور جمعی از دانشمندان و کارشناسان، فردی ملقب به «احمد مائو» را خواب کند. (توضیح: یزشکان معمولاً نام خانوادگی بیمار خود را قاشق نمی‌کنند. تبصره: به «احمد مائو» البته بیمار نمی‌شود گفت، ولی، خوب، مرض دارد!) وقتی که از دکتر کابوک پرسیدند: «حالا چرا «احمد مائو» را برای این کار انتخاب کرده‌ای؟»، پاسخ داد: «معمولاً آدم‌های دورو و دروغ‌گو برای این کار مناسب‌ترند، زیرا تضاد سخنانی که در عالم خواب بر زبان می‌آورند، با آنچه در بیداری می‌گویند، بهتر نمایان می‌شود.» «احمد مائو» ابتدا وحشت زده به نظر می‌رسید، زیرا تصور میکرد او را به دادگاه انقلاب آورده‌اند، تا محاکمه کنند. اما هنگامی که فهمید دکتر کابوک خیال دارد او را خواب کند، نفس راحتی کشید. دکتر کابوک گفت: «در بیداری چند سؤال از شما می‌کنم، وقتی که شما را خواباندم، همان سؤالها را تکرار میکنم. در بیداری انسان می‌تواند آنچه در دل دارد، به زبان نیاورد، دروغ بگوید، ظاهرسازی کند. اما در خواب دیگر این کارها میسر نیست. حاضرید؟» «احمد مائو» دید که توی بد تله‌ای افتاده. اما دیگر راه پیش و پس نداشت. ناچار گفت: «بله، حاضر.»

- اسم شما چیست؟
- اسم مرا که همه میدانند.
- مرام و مسلک شما چیست؟
- مسلمان، آقا، مسلمان انقلابی. مسلمان پیرو خط امام!
- نظر شما درباره آمریکا چیست؟
- آقا، آمریکا امپریالیست است، دشمن اصلی ماست. با آمریکا باید مبارزه کرد!
- نظر شما درباره کشورهای اروپای غربی و ژاپن چیست؟
- آن‌ها هم نوکر آمریکا هستند. مسک‌زرد برادر شغال!
- نظر شما درباره آزادی چیست؟
- آزادی چیز خیلی خوبی است. آزادی برای همه. به شرطی که منجر به هرج و مرج نشود و به استقلال لطمه نزنند. حتی مخالفان ما هم باید آزاد باشند و حرف خود را بزنند.
دکتر کابوک گفت: «بسیار خوب، حالا شمارا خواب می‌کنم.»
بعد چشم در چشم «احمد مائو» دوخت دستها را در برابر چشمان او حرکت داد. بعد از چند دقیقه، «احمد مائو» به خوابی چنان عمیق فرو رفت که حتی خرویف هم می‌کرد!
دکتر کابوک گفت: «آقای «احمد مائو» خوابیده‌اید؟»
«احمد مائو» خنده‌ای سرداد و گفت: «بله، دکتر جان، خوابیده‌ام. اما باید بدانی که من و همپالکی‌های لیبرال، ملتی را خواب می‌کنیم. تو خیال می‌کنی با خواب کردن من تنها، شوق القصر کرده‌ای؟!»
- حالا چند سؤال از شما می‌کنم دروغ که نمی‌گویید؟
- راستش خیلی دلم می‌خواهد دروغ بگویم، ولی حیف که الان اختیارت دست خودم نیست!
- اسم شما؟
- اروپا که توی «سیس» بودیم، برویجه‌ها به من می‌گفتند «احمد مائو».
- مرام و مسلک شما چیست؟
- قربان، بنده مائوئیست!
- شما که گفتید مسلمانید؟

- چرا خطرناکند؟
- چون پشتیبان خط امام‌اند و هوادار تعمیق انقلاب. مائوئیست‌ها و لیبرال‌ها را رسوا می‌کنند. ضدانقلابی‌ها را افشا می‌کنند. دیگران را «القاء» ایدئولوژی می‌کنند. همه‌اش از ریشه کن کردن امپریالیسم، بخصوص آمریکا، از ملی‌کردن بازرگانی خارجی و از اصلاحات ارضی و از حقوق دهقانان و حقوق کارگران و آزادی مردم مستضعف دم می‌زنند. پس مالک و سرمایه‌دار بیچاره چه‌خاکی به سر کنند؟ بروند از گرسنگی بمیرند؟
دکتر کابوک گفت: «می‌خواهم تو را تبدیل به خروس کنم.»
«احمد مائو» گفت: «چرا خروس؟ شتر مرغ که بهتر است. «مائوئیست مسلمان‌نما» همان شتر مرغ است! یا اگر دلت می‌خواهد: زرافه. به قول قدیمیها: شتر گاو بلنگ. «مائوئیست مسلمان‌نمای لیبرال» همان شتر گاو بلنگ است دیگر!»
دکتر کابوک به «احمد مائو» دستور داد: «گریه کن!»
و ناگهان همه دیدند که «احمد مائو» دارد زار زار گریه می‌کند و مثل باران بهاری اشک می‌ریزد!
- چرا گریه می‌کنی؟
- یاد اشغال جاسوسخانه و قطع رابطه با آمریکا افتادم! یاد همان موقعی افتادم که کار ما زار شد و زیر آب‌مان را زدند!
دکتر کابوک گفت: «بسیار خوب، گریسه پس است. حالا بخند!»
«احمد مائو» زد زیر خنده، حالانچه، کی بخند. دکتر کابوک پرسید: «چرا می‌خندی؟»
- یاد حرف ریگان افتادم که گفته در ایران باید حکومت معقول و میانه‌رو و معتدل لیبرال‌ها سر کار بیاید.
اما لحظه‌ای بعد، بدون این که دکتر کابوک دستوری داده باشد، «احمد مائو» دوباره گریه را شروع کرد.
دکتر کابوک، حیرت زده، پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟»
«احمد مائو» گفت: «یکی از این توده‌ای‌های لغنتی زیر گوشم گفت: شتر در خواب بیند پنبه‌دانه...!»

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 455
28 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران